

سازمان پیکار در راه
آزادی طبقه کارگر
مازندران

خبرنامه (۲)

ویژه هجوم

جدیدارنجاع در شهرهای مازندران

راهپیمائی های هواداران سازمان پیکار در آمل

در ساعت ۴ بعد از
شهر سه شنبه ۱۸/۱۰/۶۷ ساعت ۹ راتنی
از طرف هواداران سازمان
پیکار در مرحله "یکتا پس" در
آمل برگزار میشود که در
بقیه در صفحه ۴

مبارزه برای حفظ دستاورد های و قعه ادامه دارد

در روز سه شنبه ۱۷/۱۰/۶۷ هواداران
مجاهدین خلق در آمل برای پیس گرفتن
تکیه متانی که یکی از مراکز فعالیت های
انقلابی شان بوده ، و در جریان هجوم
ارتجاع ، بدست پلستاران و جماقداران
اقتاده بود ، دست بر راهپیمائی زده و
پس از رسیدن به تکیه با مشاهده
مانعت از ورود از درب جلوی تکیه ، قفل
درب عقب آنرا شکسته و وارد آن میشوند .
اندکی بعد عده ای پاسبان میزنند
به محل آمده و خواستار تخلیه تکیه میشوند
ولی مجاهدین ضمن مخالفت با تخلیه آن

بیان گوشه هائی از مقاومت توده ای و جنايات پاسداران و چماقداران

رفیقتی میگفت : " زمانیکه در رکبوری
شدت گرفته بوده و شادوش خودم ، پهلوی
حدوداً ۱۰ ساله را دیدم که با شور و علاقه
خاصی ، ضمن برخاستن انقلابی به دیوسرتی
پناسداران زیر و سرمایه او اوشان حرفه -
ای ، مشغول جمع آوری سنگ بود . این
شهرن قهرمان ، تا زمانیکه مقاومت یکبارچه
توده ای ادامه داشت ، آبی از کسک
و شرکت فعال در مبارزه ، غافل نبود .
این درست زمانی بوقوع پیوست که
اکثریتی های خائن (هواداران سازمان
چریکها - اکثریت)
بقیه در صفحه ۴

طرح میکنند که از مردم محله رأی گیری
شود تا مشخص شود که تخلیه بکنند یا نه .
عمال رژیم که از فشارهای خود سستوی
تعبیرند عقب نشینی کرده و پس کارشان میروند
همچنین در ساعت ۱۲ همی روزی
هواداران مجاهدین پس از موفقیت
بقیه در صفحه ۴

مجاهدین مردم را بزرگوار پرچم دروغین بنی صدر مکارفرا میخوانند

در صفحه ۲



زنده باد مقاومت توده ای!

به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها باشیم

بقیه از صفحه ۱

توده ای های مزدور نظاره گرد گیر می بودند!

دربا زدا عتگاهای جمهوری اسلامی که پس از دستگیری نیروهای انقلابی، سرسوزنی جای ایستادن نبود (تریک اطاق بسیار کوچک و پهن و پنج نفر) بسا زندانیان، مانندانسرای جنگی رفتار میشدند اما آنها را تهدید به اعدام، میکردند و به زندانیان دخترها انواع قحترهای رکیک و ناموسی میدادند.

درب خانه های اطراف محل درگیری ها، چهار طاق یا زیود، منازل مردم، در واقع منهدم شده بودند و با سدازان مجروح شده بودند تبدیل شده بودند بلکه کار به بغیسه و... هم رسیده بود.

زمانیکه با سدازان و جماعتاران به منازل مردم برای دستگیر کردن پناهندگان هجوم میبردند بسا مخالفت و سرسختی انقلابی آنان مواجه میشدند با سدازان حتی از ضرب و شتم و حشیا نه مجروحین و مشروبین نیزه ایایی ندا عتند.

هواناران مجاهدین در درگیری های روز جمعه ۹/۱۴ آذر محنور ندا عتند آنها در واقع بدنبال جمع آوری امنای برای شکایت از جماعتاران و قداره بنندان حزب و تقدیم آن به پیشگاه! بنی صدر بودند! براسستی مجاهدین از این اقدامات سازشکارانه و پناه بردن از شر کمتر بدامن شر بیشتر نمودند و خواهند بود!

یکی از رفقا که ما جرای ضرب و شتم خود در توسط ۲ نفر جماعتدرا برای ما نقل میکرده در آنامه صحبت های من میگفت: "خودم را با زحمت زیاد در حالسی که از شدت درد بخودم می پیچیدم به حیاط خانسه ای رساندم. صاحبخانه با آغوش باز پذیرایم شد و در فکر دوا و درمانم بود که پاسدازان و جماعتاران، تکبیر گویان، درب حیاط را بصدا تراوردند. صاحبخانه مرا در پشت بام مخفی نمود. جماعتاران سراغم را گرفتند (چون فهمیده بودند که در این خانه مخفی شده ام) جماعتاران با داد و تقال و عرب و وحشت، توپ و تشر و حتی ضرب و شتم صاحبخانه و فرزندش، نتوانستند تزلزل زلی بروی جهت افشای محل اختفایم، به وجود آورند. در این جریان، صاحبخانه و فرزندش به شدت مجروح شدند.

در جریان درگیری های اخیر و گسترش جنبش مقاومت بدنبال افشاگریها و تظاهراتات موضع فقای هوا دار در محلات کارگری و زحمتکشی توده ای های خائن سا زمان شهرستان آمده این قره نوکران سوسیال امپریالیستهای روس بدنبال رسالت ارتجاعی خویش در نوکرمندی وهم آوازی با رژیم جمهوری اسلامی به تریوزگی افشا توده و به اصطلاح به محکوم کردن این مفا و متبا می بردا زنداغافل از آنکه توده ها پیدار و عوامفریبان رسوا شدند.

نگ و نفرت بر خائنین به طبقه کارگر و انت...

با سدازان حتی از آمبولانسهای بیمارستان نیز جهت حمله به نیروهای انقلابی و شکستن مقاومت توده ای استفاده نموده بودند!

هواناران آنها زندانیان خلق اکثریت (کسه اعتبارها توسط "مخونان" خویش دستگیر شده بودند، مرتباً بهما بلوسی و حتی به گریه و زاری می بردا عتند. در حالیکه نیروهای انقلابی و کمونیست با افشاگریهای مداوم و سرود خواندن های بی پایان، عمر صدها بر ارتجاع، تذکرت و تذکتر می نمودند.

دربا زدا عتگاه "سداز" زندانیان سیاسی وقایع اخیر را شبانه شکنجه نمودند (از ضرب و شتم گرفته تا سینه خیز شدن)

در یورش پاسدازان زور و سرما به بیکی از منازلی که مجروحی در آنجا بستری بود، ما در خانه ابتدا مانع ورود آنان شده و با اصرار شدید و فشار آنان، زمانیکه درب حیاط را بازمیکند، میگوید این سرم است. پاسدار میگوید: "من او را می شناسم، فرزندتون نیست و کارش فروز نشریات است." سپس آنها بزور مجروح را باخونشان برده و حتی قدمه و موم خانه را نیز میکشند!

زمانیکه با زاپچهار رسوق و نور استه و... بسه نشانه اعتراضی به جنایات و یورش پاسدازان و متشنج شدن اوتاع شهریوار، معارضه های خود را بحالست تعطیل تراورده بودند، پاسدازان به اعتراض برخاسته و مطرح کرده بودند که شما چرا به اطلاعیه تعطیلی بازار و حمایت از روحانیت مبارزه که توسط حزب جمهوری اسلامی ما در شده بوده، پاسخ مثبت ندا دید؟!"

مجاهدین مردم را بزرگوار می‌پندارند دروغین بنی صدر مکار فرامیخوانند

کمونیستها هرگز مردم دروغ نمی‌گویند
کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه
نمی‌کنند. کمونیستها فقط بقدرت طبقه
کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران
انقلابی متکی هستند.

امروزه، دشواری ارتجاعی حزب ولیبرالها،
زیادتر خاص و عام است. حزب جمهوری اسلامی میخواند
با سروصداها و ضدا میریالیستی سوار بر عرصه مبارزات
ضدا میریالیستی مردم شود یعنی صدر نیز ما را دروغ می‌اندازد
های آزاد میخواند، سوار بر عرصه مبارزات دست راست
مردم گردد. خانم مجنا حجابی درگیره آنرا از توطئه بر علیه
یکدیگر مغافل نیستند.

اما وقتی صحبت از مردم و خواستهایشان، جنبش و
انقلاب میشود بنی صدر میخواند بنده سر توده‌ها را
ببر لوجماق را پشت نان شیرینی نشان میدهد و خسرت
فقط باجماعی و بزرجماعی دعوا بر سر قدرت است و در یک
کلام سرکوب جنبش و انقلاب و دعوا مفریبی‌های "ضد
امیریالیستی" و "آزاد میخواند" این لوجماق جهت
تقویت خودشان و تأمین پست جیبهاست.

اما گویا دوستان مجاهدگوشان به این حرفها
بدشکار نیست و میخواهند زهول حلیم توی دیکت بیفتند
این دوستان غافل از این هستند که ما سر و اختناق،
سرکوب و کشتار، وضدیت با انقلاب و توده‌ها همگسی در
چارچوب با سازی سیستم سرمایه داری وابسته‌ها کم
صورت میگیرند لوجماق‌های حاکم، برای این اساس دشمنان

مردم و انقلب هستند.

در پی نرگیزیهای روزهای اخیر، با دوستستان
مجاهدین با نهایی شهر براه افتاده و از توده‌ها
میخوانند متن "دکواتیه" از جنایات با سداران و
چماقداران را که خطاب به بنی صدر دعوا مفریب نوشته -
اننا ما نمایند با اتوبوس، زخمی‌های خود را جهت
دا بخوانی به پیشگاه مردم کجرا ف (بنی صدر) میبرند
فریاد و مصیبتا بر میدارند که: "کجا تیدمقا مسات
مستور" و ...

اما واقعیت اینست که مقامات مسئول بخسود،
گردانندگان اصلی تمامی حرکات ارتجاعیند! سرکوب
نرگستان، کشتار در ناندگاه گرفته تا ناسور و اختناق
هجوم اخیر که رژیم بشهرهای مختلف میهن مان
و استان مازندران و بخشوس آمد انجام داد و نفسش در
جناح رژیم و ارگانهایشان را ناسدرا ن شهر با نسبی،
زادار مری و ... آنرا بین جریان، بخوبی نشان میدهد که
همه اینها در سرکوب توده‌ها، در سردواندن توده‌ها و در
ماستمال کردن اساسی‌ترین خواستهای توده‌ها نقش
دارند و ما هیتا سر و ته یک کرباسند.

سیاست دفاع از "سرکوب در قبایل سر بیشتر" مجز
فریفتن توده‌ها و افزودن توهم و وحوش با وری شان نسبت
به هیئت حاکمه چیزی بسیار نخواهد آورد و دوستستان
مجاهدین موش نکنند که آقای بنی صدر بگفته خودش در
حوادث ترکمن صحرا فقط که در صدا ز قاطعیتش را بس
نمایش گذارده است!

دشمنی و سابقه دشمنان

"دشمنی" آخوند مرتجع و از مسئولین با سدارا
آمل که کارگران مبارز کارخانه جین مدآمل (۱) بخوبی
بما هیت ارتجاعی این مردمک لغلکار و اقفند، در بسیج و
هدایت چماقداران حرفه‌ای جهت گسترش دادن به جو
اختناق و حفقان و ... نشر مؤثری باعث و یکسوی از
خواستهای مردم خیر و قطعنا مه ما در آن مبارز و مجاهد

در راهیما نیتان، اخراج این عنصر بلید و مرتجع، از
شهر میباید.
(۱) - دشمنی در دفاع و حمایت ارتجاعی از "اخصوی"
قائم مقام سابق کارخانه جین مدوه چینین کارکنس و
اخلال در تحقق خواسته‌های کارگران، آنی غافل نبود

جنبش اعتراضی بر علیه گوانی، کمیایی و فلاکت زحمتکشان و سازمان دهیم

بقیه از صفحه ۱ راهیمانی های . . .
 دور زدند شعرا رهسای
 زندانی سیاسی به همت
 توده ها آزادباید گردند
 گفتار زحمتکشان بدست
 پاسداران، محکوم است
 از قحطی و گرانی، مردم به
 تذک آمدند "آزادی
 سیاسی حق مسلم ماست
 طول تظاهرات، شور بیشتر
 به آن می بخشید و ناقوس
 خوش آهنگ ادامه مقاومت
 و مبارزه را در گوش توده ها
 صدا در می آورد.

محلہ کارگر نشین است
 دست بر راهیمانی میزنند
 بر طیارا هیما ثی
 مردم به راهیمانی
 بیوسته و شعرا را تکرار
 می کردند در محل تجمع
 مردم، یکی از همواران
 سازمان، اعلامیه حوزہ
 مازندران در رابطه با
 جریانات اخیر را میخواهند
 که با استقبال زیاد مردم
 مواجه میشود.

★★★★

در روز دوشنبه ۹/۱۲
 نیز هواداران سازمان
 پیکار از سر راهی جا کسریه
 طرف مسجد حاج علی کوچک
 دست بر راهیمانی میزنند
 و شعرا را "زقبیل" سرک
 بر آمریکا، سرگ بر ارتجاع
 و "زندانی سیاسی آزادباید
 گردد" را نندیده فریاد
 اعتراضشان به جنایات
 رژیم میشود.

اعلامیه ها ثی که در
 طول تظاهرات بخش میشوند
 با شور و اغتیای مردم در
 گرفتن خواندن آنها مواجه
 میشوند.

★★★★

در ساعت ۴ بعد از
 ظهر روز دوشنبه ۹/۱۲ هوا
 داران سازمان پیکار از
 محلہ مصیبتان که یک

ابن جنگ ارتجاعی، برای مردم ما، حاصلی جز، گرانی، بیکاری ندارد، ندارد.

بیش از ۶۰۰ تن از هواداران سازمان پیکار و
 رزمندگان، با صفوفی منظم و با منتهای گره کس سرده با
 فریادهای "زندانی سیاسی، از زندان ارتجاع، آزاد
 باید گردد" خلق کرد پیروز است، مبریا لیبرزم،
 ارتجاع نابود است "از قحطی و گرانی مردم به تنگ
 آمدند" سازمان ما را، کارگر شهیدم، قسم بخون باکت
 از ارتجاع خاکم، گیرم انتقامت "و . . . جهت شرکت
 در مراسم هفتمین روز بزرگداشت شهادت کارگر شهید،
 حسین سالار، که توسط پاسداران زور و سرما به بنیادت
 رسیده است، بطرف تکیه آملی بر راه افتادند. (گزارش
 مشروح این خبر را در شماره آینده، مطالعه نمایند.)

بقیه از صفحه ۱ مبارزه برای . . .
 در پس گرفتن انقلابی تکیه
 مشائی، در ادامه این عمل
 انقلابی و درست خویش، به
 سمت یکی دیگر از مراکز خود
 در قادی تکیه حرکت
 میکنند.

اما در آنجا بسا
 مقاومت پاسداران رو برو
 میشوند و یک ما شین
 ما مورین شهر با نی نیز
 برای تقویت پاسداران،
 به محل می آید.
 با وجود صراحت زنا
 محلہ در پس گرفتن تکیه و
 برگزاری نماز در آن، و با

ارتجاع از شدت خشم دندان قروچه میکند و نوطنه می چیند

بر تعیین آمل، به تبعیت از ماهیت ضد مردمی و
 ارتجاعی خویش، آنی از حرکات ضد انقلابی و عوام فریبانه
 خود، دست بردار نیستند. بدنبال شکست مفتضحانه و
 برنامه های سازماندهی شان علیه نیروهای انقلابی و
 توده های آگاه و مبارز (از یورش و سرکوب گرفته تا
 ادعای پیچورسوی "بشهادت زماندن کارگر شهید
 حسین سالار توسط مجاهدین کمونیستها") سازمان تیکه
 خانوادہ شهید سالار و نیروهای انقلابی، مراسم هفتمین
 روز شهادت کارگر زحمتکش را در سطح شهر به اطلاع مردم
 میرسانند. آنان نیز مراسم را برای به اصطلاح
 بزرگداشت شهادت یک چماق دار حرفه ای!! در همان
 ساعت و همان مکان توافقا با امضای خانوادہ های
 دوشهید!! اعلام می نمایند. میگویند دشتی آخوند مرتجع،
 هدایت و رهبری این جریانات را بعهده داشته است.



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 مازندران

نه سازش، نه تسلیم، مقاومت، مقاومت!